

The Position and Powers of the Central Headquarters for Combating Goods and Currency Smuggling in Iran's Criminal Policy System

Omid Rostami Ghazani¹  | Salman Emrani² 

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ahlul Bayt International University (A.S.), Tehran, Iran. (Corresponding Author): rostamighazani@abu.ac.ir
2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Islamic Knowledge and Law, Imam Sadiq University (A.S.), Tehran, Iran. emrani@isu.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:

2025/09/16

Received in revised form:

2025/12/02

Accepted:

2026/05/02

Keywords:

*Planning; Smuggling of
Goods and Currency;
Policymaking; Management;
Supervision; Coordination.*

Abstract

The smuggling of goods and currency is a natural and inevitable consequence of governments imposing restrictions or prohibitions on the import and export of goods and currency. Accordingly, almost all societies and countries face it to some extent. Given the specific characteristics of Iran's economic system, including international sanctions, limited foreign exchange resources, and a subsidy system, the grounds for commission of smuggling are more pronounced. The diversity of factors affecting smuggling on the one hand, and the wide range of its detrimental effects in economic, political, security, and social spheres on the other, mean that this offense is both influenced by the performance of state and social institutions and also affects their performance. Therefore, effective action against smuggling requires the coordination and interaction among all relevant institutions in implementing both proactive (preventive) and reactive (criminal and executive) measures. Based on this, the "Central Headquarters for Combating Smuggling of Goods and Currency" was established as a specialized and inter-agency body to manage and direct such measures. Employing a descriptive-analytical method, this article examines the structure of the Headquarters, the legal status of its resolutions, and the extent of its powers in the areas of policymaking, planning, coordination, and supervision over the actions of relevant institutions, as well as its role in adjudicating cases of smuggling of goods and currency. Based on the research findings, the Headquarters faces challenges such as: ambiguity in the legal status of its resolutions due to its inter-agency nature and hybrid governmental-community composition; doubts about the accuracy of its reported statistics because the Headquarters itself having an interest in the outcomes; and failure to achieve the objectives anticipated in the laws.

How To Cite

Rostami Ghazani, Omid, Emrani, Salman. (2026). The Position and Powers of the Central Headquarters for Combating Goods and Currency Smuggling in Iran's Criminal Policy System. *Journal of Judgment*, 126(2), 105-130.
<http://doi.org/10.22034/judg.2026.2071792.1595>

DOI

[10.22034/judg.2026.2071792.1595](https://doi.org/10.22034/judg.2026.2071792.1595)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

جایگاه و اختیارات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در نظام سیاست جنایی ایران

امید رستمی غازانی^۱ | سلمان عمرانی^۲

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول)، رایانامه: rostamighazani@abu.ac.ir
۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران،
رایانامه: emrani@isu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

قاچاق کالا و ارز نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر پیش‌بینی محدودیت و یا ممنوعیت برای صادرات و واردات کالا و ارز از سوی دولت‌ها است، بر این اساس تقریباً تمامی جوامع و کشورها کم‌وبیش با آن مواجه هستند. با توجه به ویژگی‌های خاص نظام اقتصادی ایران از جمله تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت منابع ارزی و نظام پارانهای، زمینه برای ارتکاب قاچاق بیشتر فراهم است. تنوع عوامل مؤثر در وقوع قاچاق از یک سو و گستره آثار زیان‌بار آن در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی از سوی دیگر، سبب می‌شود که این بزه هم متأثر از عملکرد نهادهای دولتی و اجتماعی باشد و هم در عملکرد آنان اثر بگذارد. به همین دلیل، مقابله مؤثر با قاچاق مستلزم هماهنگی و تعامل تمام نهادهای ذی‌ربط در اعمال تدابیر کنشی (پیشگیرانه) و واکنشی (کیفری و اجرایی) است. بر این مبنا، «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز» به‌عنوان نهادی تخصصی و فرادستگاهی برای مدیریت و راهبری این تدابیر تأسیس شده است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی ساختار ستاد، جایگاه حقوقی مصوبات آن و حدود اختیارات آن در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر اقدامات دستگاه‌های ذی‌ربط و همچنین نقش آن در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز بررسی می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، ستاد با دشواری‌هایی چون ابهام در جایگاه حقوقی مصوبات آن به سبب ماهیت فرادستگاهی و ترکیب دولتی - جامعه‌ی، تردید در صحت آمارهای اعلامی به علت ذی‌نفع بودن خود ستاد در نتایج و ناکامی در تحقق اهداف پیش‌بینی شده در قوانین مواجه است.

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۲/۱۲

کلیدواژه:

برنامه‌ریزی، قاچاق کالا و ارز،
سیاست‌گذاری، مدیریت،
نظارت، هماهنگی

رستمی غازانی، امید، سلمان. (۱۴۰۵). جایگاه و اختیارات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در نظام سیاست جنایی ایران، فصلنامه قضاوت، ۲۶(۲)، ۱۰۵-۱۳۰.
<http://doi.org/10.22034/judg.2026.2071792.1595>

استناد

[10.22034/judg.2026.2071792.1595](http://doi.org/10.22034/judg.2026.2071792.1595)

DOI



انتشارات دادگستری کل استان تهران

ناشر

مقدمه

تنظیم مقررات مربوط به واردات و صادرات کالا، از دیرباز مورد توجه دولت‌ها بوده و رعایت آن‌ها تضمین‌کننده نظم اقتصادی و مالی کشورها است. پدیده قاچاق کالا و ارز ریشه در نقض این مقررات دارد و «تازمانی که محدودیت‌های قانونی برای ورود و خروج کالا در کشوری وجود دارد، پدیده قاچاق کالا هم از تبعات آن است» (ساکي، ۱۳۸۱: ۳۲). وجود پدیده قاچاق موضوعی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. این پدیده در همه کشورها کم‌وبیش مشاهده می‌شود، اما در ایران به دلیل شرایط خاص اقتصادی - از جمله تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت منابع ارزی و نظام اقتصادی مبتنی بر یارانه‌ها - زمینه ارتکاب آن به مراتب گسترده‌تر است. در چنین بستری، قاچاقچیان عموماً با انگیزه سودجویی و کسب درآمد، مقررات صادرات و واردات را نقض می‌کنند.

تأثیرات منفی گسترده این بزه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و موارد دیگر^۱ سبب شده است که همواره بزه کالا و ارز از دغدغه‌های جدی قانون‌گذار باشد. بر این اساس، بررسی سابقه تقنینی این بزه در نظام حقوقی معاصر ایران نشان از آن دارد که در بیش از ۳۰۰ مقررۀ قانونی، موضوع قاچاق مطرح شده است که البته بسیاری از این مقررات اکنون منسوخ هستند (رستمی غازانی، ۱۴۰۰: ۴۴۶). گستردگی ارتکاب و تنوع روش‌های ارتکاب آن سبب شده است، که قانون‌گذار همواره سیاست کیفری افتراقی توأم با سختگیری را در خصوص آن به کار برد که تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز نمودی از استمرار این سیاست افتراقی است.

تنوع عوامل مؤثر در وقوع بزه قاچاق، ارائه پاسخ‌های کنشی و واکنشی هماهنگ را از سوی نهادهای گوناگون برای مبارزه با آن ضروری می‌سازد. از آنجا که عوامل مؤثر در وقوع این بزه و آثار ناشی از آن با وظایف دستگاه‌های متعدد دولتی و عمومی ارتباط دارد، این مسئله ضرورت تأسیس نهادی فرادستگاهی برای هماهنگی و اثربخشی تدابیر دستگاه‌های مختلف را در موضوع مبارزه با قاچاق ایجاب می‌کند. در همین راستا، قانون‌گذار به موجب ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۲، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۳ را تأسیس کرده است. در ادامه، ابتدا جایگاه این ستاد در نظام سیاست جنایی ایران و سپس حدود اختیارات آن بررسی خواهد شد.

۱. ر.ک: سیف، ۱۳۸۷: ۸۱-۱۱۶؛ غلامی و نمروزی، ۱۳۹۸: ۲۰.

۲. در راستای رعایت اختصار در ادامه مقاله به جای «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، «قانون مبارزه با قاچاق» استفاده شده است.

۳. در راستای رعایت اختصار در ادامه مقاله به جای «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، از اصطلاح «ستاد» استفاده شده است.

۱. جایگاه ستاد در سیاست جنایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز

مبارزه با بزه (و از جمله قاچاق) موضوعی فرابخشی و فراسازمانی است. در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال تدابیر مبارزه با بزه، بایسته است که دستگاه‌های حاکمیتی و نهادهای جامعوی به صورت منسجم و تعاملی نقش ایفا کنند (رحیمی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۹۷). بر این اساس، تأکید بر مفاهیمی مانند چندنهادی، میان‌نهادی، مشارکت، همکاری، هماهنگی و تعامل یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست‌های جنایی کشورها در دهه‌های اخیر است (فرجیها، ۱۳۸۸: ۱۳).

پاسخ‌های کنشی (پیشگیرانه) و واکنشی (اعم از تدابیر کیفری و اجرایی) به پدیده قاچاق در صلاحیت و مسئولیت نهادهای متنوع حاکمیتی و جامعوی قرار دارد. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف ایجاد بستر مشارکت و هماهنگی میان این نهادها به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تخصصی در این حوزه عمل می‌کند.

پیشینه تشکیل ستاد را می‌توان در ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی «قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۳۱ جست‌وجو کرد؛ که بر اساس آن، وزارت کشور مجاز بود ستادی مرکب از سازمان‌های ذی‌ربط تشکیل دهد. این پیش‌بینی ماهیتی اختیاری داشت و اختیارات ستاد صرفاً به هماهنگی و نظارت محدود می‌شد. گام بعدی تصویب ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور در تاریخ ۱۳۷۹/۰۳/۲۹ بود که به تأسیس ستاد مرکزی به ریاست وزیر کشور با عضویت نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و یک نماینده تام‌الاختیار از قوه قضائیه انجامید. در این مرحله، اختیارات ستاد به حوزه برنامه‌ریزی، هدایت، سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت گسترش یافت.

در تاریخ ۱۳۸۱/۰۴/۱۲ فرمان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس‌جمهور وقت در مورد مبارزه با قاچاق کالا و ارز صادر شد و در آن تأکید شد: «باید قانون مرکزی این مبارزه در سطح عالی نزدیک به رئیس دولت و دارای اشراف قانونی بر دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی باشد». در پی این فرمان در تاریخ ۱۳۸۱/۰۶/۱۷ ماده ۳۰ آیین‌نامه یادشده اصلاح شد و از جمله به موجب تبصره ۳ آن مقرر شد: «ستاد مذکور هر شش ماه یک بار در حضور رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد». تصویب این تبصره گامی در راستای ارتقای جایگاه ستاد بود، اما با توجه به ناکافی بودن این تدبیر، طبق ماده ۳۰ اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۰۳/۱۷ مقرر شد که ستاد با مسئولیت نماینده ویژه رئیس‌جمهور تشکیل جلسه دهد و ادامه این روند به تصویب ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق منتهی شد. در ادامه، برای تبیین جایگاه ستاد در نظام سیاست جنایی ایران، ساختار ستاد به‌منزله عرصه تجلی رویکرد چندنهادی مبارزه با قاچاق، جایگاه حقوقی مصوبات ستاد و تعامل ستاد با شورای عالی پیشگیری از جرم بررسی خواهد شد.

۱-۱. ساختار ستاد

یکی از اهداف اصلی در تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گردآوری مقررات پراکنده در قالب قانونی جامع بود. بر این اساس، در این قانون ابتدا تلاش شد که مقررات پراکنده موجود در قوانین مختلف در قالب قانونی واحد جمع آوری شود. افزون بر آن، قانون مزبور، مقابله با قاچاق را مبارزه‌ای همه‌جانبه تلقی کرده است که شامل تدابیر کنشی (پیشگیرانه) و تدابیر واکنشی (کیفری و اجرایی) می‌شود. در این چهارچوب، نقش نهادهای گوناگون مرتبط با قاچاق احصا شده و «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز» به مثابه نهاد محوری و هماهنگ‌کننده این اقدامات معرفی شده است.

از آغاز شکل‌گیری ستاد تاکنون، قوه مجریه همواره نقش غالب را در ترکیب آن داشته است. مطابق ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق، ریاست ستاد بر عهده رئیس‌جمهور یا نماینده ویژه او است و ۱۲ وزارتخانه و چندین سازمان وابسته به قوه مجریه در آن عضویت دارند. در کنار این اکثریت، نمایندگانی از قوای مقننه و قضائیه نیز برای تضمین همکاری بین قوا حضور دارند. همچنین، برخی نهادهای زیرمجموعه رهبری (مانند سازمان صداوسیما) نیز به دلیل ارتباط مأموریتی با موضوع قاچاق، عضو ستاد هستند.

با توجه به اینکه یکی از دلایل افزایش ورود و مصرف کالای قاچاق، فقدان مشارکت فعال و مستقیم افراد جامعه در روند مبارزه با قاچاق کالا و ارز دانسته شده است (مژده‌پور و میلانی، ۱۴۰۱: ۱۹۷)، ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق زمینه را برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه‌ای در پاسخ‌دهی به این پدیده فراهم کرده است. در این میان، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، رئیس اتاق اصناف ایران و رئیس اتاق تعاون مرکزی ایران نیز با حق رأی عضو ستاد هستند. مشارکت نهادهای جامعه‌ای در فرایند تصمیم‌سازی ستاد افزون بر آنکه می‌تواند از آثار نامطلوب تصمیمات ستاد بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی بکاهد، زمینه پذیرش و تبعیت بیشتر فعالان اقتصادی از مصوبات ستاد را نیز فراهم می‌سازد.

در مجموع ۳۲ نهاد عضو ستاد هستند که نشان از نگرش حداکثری قانون‌گذار در عضویت اعضا در ستاد دارد. با این حال، نکته مهم آن است که نقش هریک از این نهادها در مبارزه با قاچاق کالا و ارز به یک اندازه نیست و می‌توان نهادها را بر حسب میزان نقشی که در مبارزه با قاچاق دارند به «کنشگران تعیین‌کننده» و «کنشگران فرعی یا پیرامونی» تقسیم کرد (ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۹ و ۱۰). برخی بر تحدید تعداد کنشگران در نهادهایی مانند ستاد تأکید دارند و بر این باورند که افزایش تعداد نهادهای عضو، مدیریت و ایجاد هماهنگی میان این نهادها را دشوار می‌سازد؛ ضمن اینکه ممکن است نهادهای فرعی‌تر، انگیزه لازم را برای مشارکت فعال نداشته باشند. در

مقابل، برخی دیگر تحدید تعداد نهادهای مشارکت‌کننده را موجب سیطرهٔ ملاحظه‌ها و دغدغه‌های نهادهای خاص می‌دانند. به منظور رفع این چالش، ضروری است میان ارزش‌های حاکم برای مدیریت‌پذیری و تسهیل فرایند تصمیم‌گیری از یک سو و سهم‌کردن تمامی کنشگران از سوی دیگر، تعادل و توازن برقرار شود (فرجیها، ۱۳۸۸: ۱۵).

رسمیت جلسات ستاد منوط به حضور رئیس‌جمهور و یا نمایندهٔ ویژه وی در جایگاه رئیس جلسه و حضور حداقل دوسوم اعضا است. در گذشته، گاهی رئیس‌جمهور در جلسات آن شرکت نمی‌کرد یا اعضا دل‌خواهانه شرکت می‌کردند (پورابراهیم و حقیقت‌جو، ۱۴۰۳: ۸). مطابق قانون برای مسئولان این الزام ایجاد شد که در جلسات ستاد حضور داشته باشند. مقصود از حضور اعضا نیز حضور بالاترین مقام دستگاه عضو است، به استثنای وزیران که مطابق مادهٔ ۳ قانون، اختیار تعیین یکی از معاونان تخصصی خود را دارند. بر این اساس، «تصمیمات ستاد با رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه معتبر می‌باشد»^۱.

۱-۲. جایگاه حقوقی مصوبات ستاد

با توجه به ترکیب ستاد که متشکل از نمایندگان از قوای سه‌گانه، نهادهای زیرمجموعهٔ رهبری و نمایندگان بخش خصوصی است، جایگاه حقوقی مصوبات آن پیش و پس از تصویب قانون مبارزه با قاچاق همواره بحث‌برانگیز بوده است. مطابق مادهٔ ۳ قانون: «... مصوبات این ستاد پس از امضای رئیس‌جمهور در موضوعات مرتبط با وظایف ستاد در این ماده برای تمامی دستگاه‌های اجرایی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا است ...». با توجه به اینکه مصوبات ستاد پس از امضای رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا می‌شود، این امر مؤید آن است که در وهلهٔ اول، مصوبات ستاد به‌خودی‌خود برای بخش‌های مختلف حاکمیت و شهروندان الزام‌آور نیست و الزام‌آور شدن این مصوبات منوط به تأیید و امضای رئیس‌جمهور است. دوم، با توجه به اینکه ترکیب اعضای ستاد منطبق با اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیست، مصوبات ستاد در قالب مصوبات هیئت وزیران، بخشی از وزرا و یا وزیران قرار نمی‌گیرد. سوم، با توجه به امضای مصوبات ستاد از سوی رئیس‌جمهور، میزان اعتبار آن را باید در حدود اعتبار مصوبات رئیس‌جمهور دانست. از آنجا که به موجب قانون اساسی، رئیس‌جمهور به‌صورت مستقل نمی‌تواند قاعدهٔ حقوقی

۱. مادهٔ ۸ آیین‌نامهٔ مربوط به نصاب رسمیت و اتخاذ تصمیم در جلسات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نحوهٔ تشکیل و ادارهٔ جلسات و ساختار سازمانی و تشکیلات اداری و مالی و شرح وظایف تفصیلی دبیرخانهٔ ستاد مذکور مصوب ۱۴۰۲/۰۷/۱۶. در راستای رعایت اختصار از این به بعد در مقام ارجاع به این آیین‌نامه از عنوان آیین‌نامهٔ مربوط به نصاب رسمیت و اتخاذ تصمیم در جلسات ستاد ... استفاده خواهد شد.

وضع کند و صرفاً به مثابه عضوی از هیئت دولت با همکاری وزرا می تواند نظرهای خویش را در قالب آیین نامه به منصف ظهور برساند (بالوی و سعید، ۱۳۹۵: ۵۷)، بر این اساس است که امضای مصوبات ستاد از سوی رئیس جمهور در حدود قوانین و مقررات برای دستگاه های ذیل قوه مجریه معتبر است و اشاره ماده ۳ قانون به لازم الاجرا شدن آن «برای تمامی دستگاه های اجرایی» را باید منحصر به دستگاه های اجرایی ذیل قوه مجریه دانست. به موجب ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری دستگاه اجرایی شامل تمامی دستگاه های ذیل قوای سه گانه و رهبری می شود، اما با توجه به قسمت بعدی ماده ۳ قانون که لازم الاجرا شدن مصوبات ستاد برای سایر دستگاه های مرتبط از جمله قوه قضائیه، نیروهای نظامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را منوط به اذن رهبری می داند، مشخص می شود که دستگاه اجرایی در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق، در معنایی مضیق تر از ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری به کار رفته است.

با رعایت روند پیش بینی شده در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق، مصوبات ستاد برای قوه قضائیه نیز الزام ایجاد می کند، اما با توجه به تکلیف دادگاه ها مبنی بر پرهیز از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی، مراجع رسیدگی کننده با رعایت اصل مذکور به تبعیت از مصوبات ستاد ملزم اند. بنابراین در صورتی که مصوبه ستاد از منظر مرجع رسیدگی کننده بدون رعایت اصل ۱۷۰ قانون اساسی صادر شده باشد، مرجع رسیدگی کننده بدون لحاظ مصوبه ستاد رأی مقتضی صادر می کند. هر چند تکلیف مقرر در اصل ۱۷۰ برای دادگاه های دادگستری است، از آنجایی که ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق به مراجع رسیدگی کننده اشاره کرده و به موجب ماده ۴۴ (و نیز تبصره ۵ ماده ۶۳) رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز (و نیز دیگر بزه های موضوع قانون یاد شده) حسب مورد در صلاحیت شعب دادگاه انقلاب و یا تعزیرات حکومتی است، شعب تعزیرات حکومتی نیز در مقام رسیدگی واجد اختیار و تکلیف برای رعایت اصل ۱۷۰ قانون اساسی هستند. آن گونه که برخی از حقوق دانان نیز تأکید داشته اند به موجب ماده ۴۶ قانون مبارزه با قاچاق، شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضایی رسیدگی کننده را (جز در موارد کاملاً استثنایی) در رسیدگی به پرونده های قاچاق دارند (رستمی غازانی، ۱۴۰۴: ۶۲ و ۶۳). از این رو، اطلاق این اختیار محدود به اختیارات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری نمی شود و شامل اعمال اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز می شود (رستمی غازانی، ۱۴۰۳: ۶۰).

مصوبات ستاد ممکن است حسب مورد صرفاً برای دستگاه های عضو ستاد و یا دیگر دستگاه های اجرایی (به مفهوم ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری) اختیار و یا تکلیف ایجاد کند و چه بسا حقوق و یا تکالیفی را در خصوص شهروندان جامعه به وجود آورد. بر این اساس،

مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه مربوط به نصاب رسمیت و اتخاذ تصمیم در جلسات ستاد: «مصوبات ستاد در صورتی که موجب حق یا تکلیف برای دستگاه‌های اجرایی باشد و همچنین مصوبات طبقه‌بندی‌شده، از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجرا می‌باشد. مصوباتی که علاوه بر دستگاه‌های اجرایی برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد نماید، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا می‌باشد». ضرورت انتشار در روزنامه رسمی و سپری شدن ۱۵ روز به منظور لازم‌الاجرا شدن مصوبات ستاد برای شهروندان، در راستای قاعده عقلی «قیح عقاب بلایان» و اصل «قانونی بودن بزه» است. اهمیت انتشار در روزنامه رسمی زمانی دوچندان می‌شود که ممکن است نقض برخی از مصوبات ستاد، جرم و یا تخلف محسوب شود و ضمانت اجرای کیفری و یا اداری داشته باشد.

یکی از عوامل مؤثر در کاهش اثربخشی برنامه‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز که همواره مورد انتقاد دستگاه‌های نظارتی نیز قرار داشته، اهمال دستگاه‌های عضو در اجرای مصوبات ستاد بوده است (خدریسی، ۱۴۰۱: ۲۰). قانون‌گذار در اصلاحیه سال ۱۴۰۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به منظور تقویت ضمانت اجرای مصوبات ستاد، برای نخستین بار اجرای این مصوبات را با ضمانت اجرای کیفری پشتیبانی کرد. بر این اساس تخلف و یا استنکاف هریک از مسئولان، مستخدمان یا مأموران دولتی و یا عمومی در هر رتبه و مقامی که باشند از اجرای کلی یا جزئی مصوبات ستاد که در چهارچوب قوانین، مقررات و ضوابط به تصویب رسیده باشد، با هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل، چنانچه ناشی از سوءاستفاده از مقام و یا اهمال در انجام وظیفه باشد، جرم محسوب می‌شود و در صورتی که برای مرتکب در این قانون یا سایر قوانین مجازات شدیدتری تعیین نشده باشد، مرتکب به یک تا پنج سال انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی محکوم خواهد شد. با این حال، دامنه جرم‌انگاری صورت‌گرفته در ماده ۳ فراتر از نقض مصوبات ستاد است و شامل نقض وظایف یا احکام مقرر در قانون مبارزه با قاچاق یا مصوبات هیئت وزیران در راستای اجرای این قانون نیز می‌شود. چنین جرم‌انگاری گسترده و مبهمی برخلاف اصول حاکم بر جرم‌انگاری (و از جمله اصل قانونی بودن جرایم و اصل حداقلی بودن حقوق کیفری) است. همچنین، در خصوص موضوع بحث حاضر که ناظر به مصوبات ستاد است، تسری ضمانت اجرای کیفری به تمامی مصوبات ستاد، که مرجعی اجرایی (و نه تقنینی) است، اشکال و ایراد مضاعفی است. البته به اجمال باید گفت که این ضمانت اجرای کیفری در صورتی قابلیت اعمال دارد که مصوبات ستاد در چهارچوب قوانین، مقررات و ضوابط به تصویب رسیده باشند و رسیدگی به این جرم نیز وفق تبصره ۵ ماده ۶۳ در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

۱-۳. تعامل ستاد با شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم

به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» در زمره وظایف قوه قضائیه بر شمرده شده است. با توجه به وظایف این قوه در «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» در خصوص قلمرو اقدامات پیشگیرانه موضوع بند ۵ اصل ۱۵۶ اختلاف نظرهای جدی وجود داشته است و دارد.^۱ ثمره این اختلاف نظرها به تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم و تشکیل شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست رئیس قوه قضائیه منتهی شد. یکی از موضوعات مهم که در فرایند تصویب قانون یادشده و نیز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز همواره مطرح بود، نحوه تعامل شورای عالی پیشگیری از جرم با ستاد بود. مسئله از آنجا ناشی می شود که رابطه موضوعات مرتبط با این دو، عموم و خصوص من وجه است؛ از یک سو اختیارات و وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم شامل جرم قاچاق کالا و ارز (و نیز سایر جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق) می شود و از سوی دیگر، اختیارات و وظایف ستاد در خصوص بزه های موضوع قانون مبارزه با قاچاق، شامل پیشگیری از جرایم موضوع این قانون نیز می شود.

در ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق (که در اصلاحیه سال ۱۴۰۰ قانون نسخ شد) پیش بینی شده بود که ستاد می تواند کارگروه های کارشناسی از جمله کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز تشکیل دهد و مسئولیت این کارگروه بر عهده معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قضائیه بود. پیش بینی این کارگروه برگرفته است از تفکر حاکم به تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم مبنی بر مدیریت قوه قضائیه در مقوله پیشگیری از جرم به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی. از این رو، دیدگاه قانون گذار این بود که علاوه بر عموم جرایم، در خصوص جرایم خاص مانند قاچاق نیز مدیریت پیشگیری از وقوع می بایست بر عهده قوه قضائیه باشد.^۲

الگوی ساختاری شورا و ستاد یادشده بیانگر دو نگرش متفاوت در خصوص نقش قوای مختلف در عرصه سیاست جنایی و حسب مورد تأکید بر نقش محوری قوه قضائیه و یا قوه مجریه در این زمینه است. با نسخ ماده ۴ در اصلاحیه سال ۱۴۰۰ قانون، کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز نیز حذف شد. این تغییر تقنینی، به طور ضمنی، از یک سو بر تمرکز وظایف و اختیارات

۱. رک: فخر و رستمی، ۱۳۹۰.

۲. با توجه به ماده ۴ سابق، اصل تشکیل کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز در اختیار ستاد بود. با این حال، در صورت تشکیل، مسئولیت کارگروه بر عهده معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه قرار می گرفت. افزون بر این، طبق تبصره ۲ ماده مذکور، مصوبات این کارگروه پس از تصویب ستاد لازم الاجرا می شد؛ در نتیجه کارگروه واجد صلاحیت تصمیم گیری مستقل نبود و صرفاً به عنوان مرجع کارشناسی و مشورتی در فرایند تصمیم سازی ستاد وظیفه داشت.

پیشگیرانه در ستاد و از سوی دیگر بر نقش محوری قوه مجریه در حوزه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز تأکید دارد.

با توجه به هم‌پوشانی اختیارات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم با ستاد، برخی از حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند که قانون‌گذار می‌بایست نهادهای موازی پیشگیری از جرم (از جمله ستاد) را، منحل کند و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در امر پیشگیری را به نهاد فراقوه‌ای واحدی واگذار کند (رحیمی نژاد، ۱۴۰۲: ۱۱۱). صرف‌نظر از قابلیت اجرای این پیشنهاد، در شرایط کنونی با توجه به جایگاه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم که مستند به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در قلمرو مشترک فعالیت‌های این شورا با ستاد، شورا مرجع عالی محسوب می‌شود و مصوبات آن برای ستاد لازم‌الاجرا است.^۱

در این زمینه گفتنی است که هرچند موادمخدر و روان‌گردان ماهیتاً در زمره کالاهای ممنوع گمرکی (بند «ف» ماده ۱ و بند «ت» ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی) و قاچاق (بند «ث» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق) قرار می‌گیرند و این امر ممکن است تداعی اطلاق اختیارات ستاد در خصوص قاچاق موادمخدر باشد، با توجه به اختیارات مقرر برای ستاد مبارزه با موادمخدر به موجب ماده ۳۳ قانون مبارزه با موادمخدر، امر مقابله با موادمخدر و روان‌گردان، از جمله قاچاق آن‌ها، در صلاحیت این مرجع تخصصی قرار دارد. در نتیجه بین اختیارات ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ستاد مبارزه با موادمخدر تداخلی وجود ندارد و هریک در قلمرو اختصاصی خود به‌مثابه دو نهاد هم‌عرض ایفای وظیفه می‌کنند.

۲. اختیارات ستاد در مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز

با توجه به جایگاهی که در فرمان مقام معظم رهبری (ره) برای ستاد تعیین شده است، مدیریت مبارزه همه‌جانبه با قاچاق در سطح دستگاه‌ها، یعنی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و کنترل، بر عهده ستاد است (بی‌نام، ۱۳۸۸: ۹). مدیریت مبارزه با قاچاق در سطح ملی، از طریق «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز» و در سطح استانی، از طریق «کمیسیون برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت» (تبصره ماده ۳) اعمال می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). با عنایت به ضرورت رعایت اقتضائات (نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها) محلی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کمیسیون برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر مبارزه با قاچاق کالا و ارز در هریک از استان‌ها با ریاست استاندار و عضویت اعضای متناظر ستاد تشکیل می‌شود.

۱. بر این اساس است که شورا در مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ خود با موضوع «تقسیم کار ملی پیشگیری از جرایم مرتبط با کالاهای سلامت‌محور با تأکید بر حوزه دارو و تجهیزات پزشکی»، تکالیفی را برای ستاد در نظر گرفته است.

با در نظر گرفتن رویکرد قانون‌گذار بر اعمال ترکیبی پاسخ‌های کنشی و واکنشی به پدیده قاچاق، در فصل دوم قانون با عنوان «پیشگیری از قاچاق» انواع تدابیر پیشگیرانه در حوزه قاچاق بیان شده است. در ماده ۳ قانون نیز که موضوع ستاد مطرح شده است، اختیارات پیش‌بینی شده برای ستاد شامل سه حوزه امور اجرایی، پیشگیری و مبارزه است که در ادامه، اختیارات و تکالیف ستاد در مدیریت مبارزه با قاچاق بررسی می‌شوند.^۱ این اختیارات شامل مواردی چون سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت، ارائه برآوردها و اطلاعات و آمار قاچاق و وضع مقررات‌اند.

۱-۲. سیاست‌گذاری

از مسئولیت‌های ستاد «سیاست‌گذاری»^۲ در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. ستاد مرجع سیاست‌گذار اصلی در زمینه مبارزه با قاچاق است (روح‌الامینی، ۱۳۹۷: ۵۳۰). سیاست‌گذاری به فرایند «تعیین اهداف و راهبردهای کلان» از سوی نهاد تصمیم‌گیرنده اشاره دارد. با سیاست‌گذاری راهکارهای حل یک مسئله یا دستیابی به هدفی مطلوب تعیین می‌شود. سیاست‌گذاری در مواجهه با مسئله‌ای مانند قاچاق کالا و ارز پاسخ به این سؤال است که چه راهبردهایی برای حل آن باید اتخاذ شود؟ سیاست‌گذاری مستلزم شناسایی مسئله و تعیین دستور کار،^۳ تدوین سیاست،^۴ تصویب سیاست،^۵ اجرای سیاست^۶ و ارزیابی و بازنگری سیاست^۷ است.

سیاست‌گذاری جنایی ناظر بر طراحی سامانه پاسخ‌دهی جنایی از منظر کلان است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۵). در نگرش جامع و نظام‌مند به سیاست‌گذاری جنایی، پدیده بزهکاری نه به‌عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه به‌مثابه جزئی از مجموعه سیاست‌های عمومی در نظامی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد (شیری، ۱۳۹۷ (الف): ۱۱۹).

در نظام سیاست جنایی ایران، نهادهای گوناگونی در فرایند سیاست‌گذاری جنایی دخیل هستند. فرامین رهبری، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، قوانین بودجه و سایر قوانین، مصوبات شوراهای عالی مانند شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم و

۱. با توجه به آنکه به موجب تبصره ۵ ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق، احکام قاچاق مقرر در برخی از مواد این قانون و از جمله ماده ۳ آن، در مورد همه جرایم و تخلفات موضوع این قانون جاری است، در نتیجه قلمرو اختیارات ستاد محدود به بزه قاچاق نیست و شامل جرایم و تخلفات دیگر مذکور در قانون مبارزه با قاچاق نیز می‌شود.

2. Policy Making

3. Agenda Setting

4. Policy Formulation

5. Policy Adoption

6. Policy Implementation

7. Policy Evaluation

شورای عالی امنیت ملی و دیگر موارد، از مهم ترین منابع و مراجع سیاست گذاری جنایی به شمار می آیند (شیری، ۱۳۹۷ (ب): ۱۶۷). با توجه به جایگاه حقوقی ستاد می بایست سیاست گذاری این ستاد را در طول سیاست گذاری نهادهای بالاتر دانست. از مهم ترین اسناد بالادستی ستاد در سیاست گذاری جنایی حوزه قاچاق کالا و ارز می توان به فرمان مقام معظم رهبری (ره) در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری (ره) در مورد مبارزه با فساد، سیاست های کلی نظام، سیاست های کلی برنامه های توسعه، قوانین برنامه پنج ساله و قانون مبارزه با قاچاق اشاره کرد (مژدهی پور و میلانی، ۱۴۰۱: ۱۹۳ و ۱۹۴).

به موجب بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران از اختیارات رهبری است که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام می شود. در حوزه قاچاق کالا و ارز، به صورت خاص سیاست های کلی مختص آن تصویب و ابلاغ نشده است، اما با توجه به ارتباط قاچاق با حوزه های مختلف اقتصادی، قضایی و سایر موارد، در ضمن سیاست های کلی، بعضاً به قاچاق و یا به سیاست هایی اشاره شده است که مرتبط با قاچاق کالا و ارز هستند.^۱ بدیهی است سیاست گذاری ستاد در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز می بایست در تطابق و امتداد سیاست های کلی نظام صورت گیرد. هرچند در قانون مبارزه با قاچاق به این موضوع اشاره نشده است، توجه به جایگاه حقوقی سیاست های کلی نظام و رویه قانون گذار در موارد مشابه^۲ بر این امر دلالت دارد. از جمله اقدامات مهم ستاد در زمینه سیاست گذاری می توان به تصویب «سند تحول راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در افق ۱۴۰۴» اشاره کرد که به موجب بیانیه چشم انداز این سند می بایست: «... در افق ۱۴۰۴، قاچاق کالا و ارز ... مهار گردیده و دارای روند کاهشی متناسب با اهداف تعیین شده در برنامه های توسعه کشور باشد» (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۴۰۴، بی تا: ۱).

۲-۲. برنامه ریزی

از دیگر مسئولیت های ستاد، برنامه ریزی^۳ برای مبارزه با قاچاق است. برنامه ریزی تبدیل سیاست های مصوب به برنامه های عملیاتی دارای اهداف مشخص، با پیش بینی منابع مورد نیاز و زمان بندی اجرایی است. با برنامه ریزی راه های دستیابی به اهداف تعیین و منابع مورد نیاز (زمان، بودجه، نیروی انسانی و مانند این ها) مشخص می شود.

۱. رک: رحمانی فرد، ۱۳۹۷.

۲. قانون گذار در ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم در تبیین وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم اختیار شورا را در تعیین راهبردها، سیاست های اجرایی و برنامه های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست های کلی نظام دانسته است.

برنامه‌های مبارزه با قاچاق باید با نگاه راهبردی و در چهارچوب سیاست‌گذاری‌های صورت‌گرفته باشد؛ زیرا که از طریق سیاست‌ها، چهارچوب و مسیر برنامه‌ها مشخص می‌شود. بر این اساس، اگر برنامه‌های ارائه‌شده، منطبق با سیاست‌های تعیین‌شده نباشد یا در چهارچوب آن‌ها قرار نگیرد، امکان انتخاب آن‌ها وجود نخواهد داشت (صالحی و رضایی، ۱۳۹۹: ۶۵).

ستاد در برنامه‌ریزی برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز، می‌بایست به الزامات قانونی و از جمله الزامات مقرر در قوانین پنج‌ساله توسعه و نیز خود قانون مبارزه با قاچاق توجه داشته باشد. بعضاً در قوانین هدف‌گذاری^۱ و یا تدابیر خاصی^۲ در حوزه پیشگیری و مقابله با قاچاق پیش‌بینی شده است که برنامه‌ریزی ستاد می‌بایست با آن‌ها هم‌راستا باشد.

به موجب ماده ۱۲ قانون مبارزه با قاچاق: «کلیه دستگاه‌های عضو ستاد موظف‌اند در چهارچوب اولویت‌های تعیین‌شده، برنامه‌های سالانه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز دستگاه متبوعه خود را جهت بررسی و تصویب به ستاد ارائه نمایند». بر این اساس، نخست آنکه، دستگاه‌های عضو تکلیف دارند که متناسب با شرح وظایف سازمانی خود برنامه‌های سالانه‌ای برای پیشگیری از قاچاق تدوین کنند. دوم، این برنامه‌ها باید در راستای سیاست‌گذاری‌های صورت‌گرفته از سوی ستاد باشد و اشاره ماده ۱۲ مبنی بر اینکه برنامه‌ها باید در چهارچوب اولویت‌های ستاد باشد، دلالت بر این موضوع دارد. سوم، مرجع تصویب برنامه‌های پیشگیری از قاچاق، ستاد است که پیش‌بینی این مسئله در راستای ضرورت پرهیز از تصویب برنامه‌های متعارض و متناقض و فراهم‌بودن بستر تصمیم‌گیری فرادستگاهی در اجرای برنامه‌های کلان پیشگیری از قاچاق در ستاد است.

۱. در بند «ج» ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور مقرر شده بود که دولت با همکاری سایر قوا مکلف است به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام کند که ورود کالای قاچاق در طول سال‌های اجرای برنامه، سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) کاهش یابد، که در عمل چنین هدفی محقق نشد. با این حال، در بند «خ» ماده ۸۵ قانون برنامه هفتم، ستاد مکلف شده است ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، برنامه جامع پنج‌ساله مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با هدف کاهش سالانه حداقل پانزده درصد (۱۵٪) قاچاق کالا به تفکیک دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کند. همچنین، این ستاد مکلف است گزارش دوره‌ای عملکرد دستگاه‌های اجرایی در اجرای برنامه مزبور را هر شش ماه یک بار برای عموم منتشر کند.

۲. برای نمونه، مطابق ماده ۱۰ قانون مبارزه با قاچاق، دستگاه‌های عضو ستاد علاوه بر وظایف ذاتی خود با هماهنگی ستاد می‌بایست برخی از تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای را مانند ایجاد ساختار سازمانی مناسب و تخصصی، برگزاری رزمایش‌های سراسری و منطقه‌ای و کارگاه‌های آموزشی، شناسایی و کاهش نقاط آسیب‌پذیر و نظارت‌های لازم بر مسیرهای ورود و حمل و نقل و مراکز نگهداری کالای قاچاق، نظارت بر مدیریت یکپارچه واحدهای صنفی و نظام توزیع کالا و تشکیل واحد جمع‌آوری گزارش‌های مردمی در دستگاه‌های کاشف اتخاذ کنند.

۲-۳. هماهنگی

با توجه به تقسیم کار صورت گرفته در عرصه امور تجاری بین نهادهای گوناگون حاکمیت، اجرای تدابیر پیشگیرانه و نیز تنبیهی در خصوص بزه قاچاق مستلزم مداخله دستگاه‌های مختلف است. برخی فقدان سازوکار هماهنگ‌سازی بین دستگاه‌های مبارزه با قاچاق را از جمله دلایل اساسی شکل‌گیری مشکلات و مسائل سازمانی برای مبارزه با قاچاق دانسته‌اند (قادری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۷ و ۲۱۸). از فلسفه‌های وجودی ستاد (و مراجع زیرمجموعه آن مانند دبیرخانه) فراهم کردن بستر لازم برای هم‌افزایی عملکرد نهادها و رفع موانع موجود در تعامل نهادها با یکدیگر است که بر این اساس ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق، یکی از مسئولیت‌های ستاد را هماهنگی در حوزه امور اجرایی، پیشگیری و مبارزه با قاچاق دانسته است.

۲-۴. نظارت

از دیگر مسئولیت‌های ستاد، نظارت بر اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای دستگاه‌های عضو ستاد است. نظارت^۱ فرایندی نظام‌مند است که برای پایش مستمر فعالیت‌ها، عملکردها و نتایج برنامه یا سازمانی طراحی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که امور مطابق با برنامه پیش رفته‌اند و اهداف تعیین شده محقق می‌شوند. نظارت مقایسه عملکرد واقعی با برنامه‌های از پیش تعیین شده و شناسایی انحرافات برای اصلاح به موقع روند اجرای برنامه‌ها است.

با توجه به ماده ۱۰ قانون مبارزه با قاچاق، ستاد مسئولیت «نظارت و بازرسی برای آسیب‌شناسی فعالیت دستگاه‌های عضو ستاد و اقدام در راستای بهبود فرایندهای مبارزه» را بر عهده دارد. همچنین، ستاد مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون و تکالیف دستگاه‌های عضو ستاد و نظارت بر روند مبارزه با قاچاق کالا و ارز از طریق گزارش‌گیری و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های عضو را دارد. علاوه بر این، دستگاه‌های عضو نیز بعضاً مکلف به ارائه گزارش‌های عملکردی دوره‌ای به ستاد شده‌اند.^۲

1. Monitoring

۲. به موجب ماده ۱۱ قانون: «قوه قضائیه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظف‌اند به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند: ... پ. ارائه گزارش‌های سه‌ماهه توسط مراجع قضایی از طریق رئیس کل دادگستری درباره اقدامات قضایی به عمل آمده، آرای صادره و احکام اجراشده و علل آن، درباره پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به طریق مقتضی به نماینده قوه قضائیه در ستاد؛ ت. ارائه گزارش‌های سه‌ماهه توسط سازمان تعزیرات حکومتی در موارد مرتبط با آن سازمان در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به ستاد؛ ...».

نظارت نداشتن بر اجرای برنامه‌ها یکی از عوامل ناکارآمدی برنامه‌های تدوینی مبارزه با قاچاق است (قادری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۶؛ مزدهی پور و میلانی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). بر این اساس نظارت مؤثر و کارآمد در حوزه پیشگیری و مقابله می‌تواند عاملی مهم در کنترل قاچاق کالا و ارز باشد. با توجه به وظایف متعدد و متنوع هریک از دستگاه‌های عضو ستاد، نظارت این ستاد بر عملکرد دستگاه‌های عضو در حوزه وظایف آن‌ها در حیطه پیشگیری و مقابله با قاچاق، می‌تواند نقشی مهم در اولویت‌دهی دستگاه‌ها به برنامه‌های مبارزه با قاچاق داشته باشد و میزان موفقیت برنامه‌ها را افزایش دهد.

۲-۵. ارائه برآوردها و اطلاعات و آمار در امر قاچاق

از ابزارهای مهم برای مدیریت کارآمد مبارزه با قاچاق، آمارهای واقعی ارتکاب و آمارهای عملکردی دستگاه‌های مرتبط با این بزه است. بدون چنین آمارهایی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته نمی‌تواند منطبق بر اولویت‌های واقعی باشد. علاوه بر این، ارزیابی میزان موفقیت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اتخاذی مستلزم مقایسه آمارهای پیش و پس از تدابیر اتخاذی است.

به موجب ماده ۱۶ قانون: «ستاد، مرجع تخصصی تهیه و ارائه برآوردها و اطلاعات و آمار، در امر قاچاق کالا و ارز است...». افزوده شدن مرکز آمار ایران نیز به اعضای اصلی ستاد در راستای شفافیت آماری و اطلاعاتی حوزه قاچاق، نظام‌مندسازی و استانداردسازی آمار ارائه شده از سوی ستاد و نظام‌مندسازی آمارهای جانبی دستگاه‌های عضو ستاد و آمارهای مرتبط با حوزه قاچاق از جمله آمار صادرات، واردات و تولید و غیره بوده است (خدرویسی، ۱۴۰۱: ۱۴).

با توجه به ویژگی‌های جرم‌شناختی قاچاق، رقم سیاه ارتکاب آن بالا است^۱ و با عنایت به اینکه بزه قاچاق کالا و ارز اصولاً در زمره بزه‌های بدون بزه‌دیده مستقیم است، از طریق پیمایش بزه‌دیدگی امکان دستیابی به میزان رقم سیاه بزه و به تبع آن رقم واقعی بزه وجود ندارد. ستاد بر اساس مطالعات علمی و از جمله بررسی میزان شکاف بین تولید داخلی و واردات قانونی با میزان واقعی مصرف کالا در کشور، نرخ رقم سیاه و نرخ واقعی بزه قاچاق را ارزیابی می‌کند.

مطابق آمارهای ارائه شده ستاد با اعمال تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای، حجم قاچاق کالا و ارز از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ رسیده است. هرچند این آمار بیانگر موفقیت نسبی در مواجهه با قاچاق است، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در اجرای تکلیف مقرر در قانون برنامه ششم در کاهش ۱۰ درصدی سالانه حجم قاچاق موفق عمل نکرده است (مزدهی پور و میلانی، ۱۴۰۱: ۲۱۱ و ۲۱۲).

۱. بر اساس آمارهای اعلامی در بحث قاچاق ورودی فقط ۱ تا ۸ درصد آن کشف می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲).

واگذاری مسئولیت تهیه و ارائه آمار قاچاق به ستاد از این نظر که این ستاد، مرجع تخصصی قاچاق کالا و ارز است، می‌تواند توجیه شود، اما آن‌گونه که برخی نیز به درستی مطرح کرده‌اند؛ واگذاری اختیار قانونی ارائه برآورد حجم قاچاق از سوی قانون‌گذار به متولی این حوزه ابهاماتی را در خصوص صحت برآورد قاچاق پدید آورده است. این موضوع در گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از ستاد نیز منعکس شده است (مژده‌پور و میلانی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). برابر آمار اعلام‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد، حجم کل قاچاق در سال ۱۳۹۵ به میزان ۱۲/۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۶ به ۱۲/۹ میلیارد دلار برآورده شده است، و این در حالی است که هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در گزارش سال ۱۳۹۹، این آمار را در سال‌های یادشده ۱۲/۵ تا ۲۵/۵ میلیارد دلار اعلام کرده است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱ و ۱۲). از آنجایی که تغییر در آمار قاچاق به نوعی بیانگر میزان کارآمدی عملکرد ستاد و دستگاه‌های عضو آن نیز است، این موضوع می‌تواند صحت آمارهای ارائه‌شده از سوی ستاد را با چالش مواجه سازد.

۲-۶. مقررات گذاری

ستاد یکی از کنشگران اصلی در زمینه تهیه و تصویب قوانین و مقررات مرتبط با مبارزه با قاچاق است. ستاد به‌عنوان مرجع تخصصی مبارزه با قاچاق در مواردی مسئولیت تهیه یا مشارکت در تدوین پیش‌نویس قوانین و مقررات را بر عهده دارد، که در زمینه‌های گوناگونی در قانون مبارزه با قاچاق نیز به صراحت به آن اشاره شده است. افزون بر این، به موجب قانون، در مواردی ستاد مرجع تصویب برخی از تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با قاچاق است^۱ که این مصوبات نقش مستقیمی در تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای با قاچاق دارند.

نکته حائز اهمیت آن است که بخشی از مصوبات ستاد به‌صورت مستقیم به بزه‌انگاری برخی از رفتارها منتهی شده است؛ به نحوی که برخی از حقوق‌دانان مصوبات ستاد را در کنار قوانین، در زمره عنصر قانونی قاچاق کالا و ارز دانسته‌اند (صفاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶ و ۷). تحولات سریع اقتصادی در جوامع معاصر، سبب شکل‌گیری گونه‌ای از قانون‌گذاری شده است که در آن قانون‌گذار

۱. از جمله این موارد می‌توان به اعلام فهرست و ارزش کالای قاچاق خروجی مربوط به فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی از سوی وزارت نفت و ستاد (تبصره بند «خ» ماده ۱ قانون)، تشخیص مصادیق کالاهای ضروری (ماده ۶ مکرر ۲ قانون)، تصویب دستورالعمل مربوط به صیانت از سرمایه‌های انسانی دستگاه‌های دخیل در مبارزه با قاچاق (ماده ۹ قانون)، دستورالعمل نحوه گردآوری و جمع‌بندی آمار و اطلاعات (تبصره ۱ ماده ۱۶ قانون)، تصویب فهرست‌های قیمت‌گذاری سالانه ارزش کالاهای ممنوع از سوی ستاد و ابلاغ آن در ابتدای هر سال (تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون) و تصویب فهرست کالاهایی که در بازار داخلی نیاز جدی به آن‌ها وجود دارد و به تولید داخلی و تجارت خارجی لطمه وارد نمی‌سازد (تبصره ۳ ماده ۵۶) اشاره کرد.

ضمن تبیین اصول کلی، جزئیات قانون را به دستگاه‌های اجرایی واگذار می‌کند. این شیوهٔ احاطهٔ قانون‌گذاری به دستگاه‌هایی اجرایی از یک سو می‌تواند با تسهیل روزآمدسازی مقررات اقتصادی، زمینهٔ انطباق سریع‌تر آن‌ها را با تحولات اقتصادی فراهم آورد. از سوی دیگر، این رویکرد با این خطر همراه است که اصل قانونی حقوق کیفری (و نیز قلمرو کیفری) را نقض کند؛ «چراکه شناسایی تخلف [و به طریق اولی جرم] از طریق مقررات دولتی، به معنی فاصله‌گرفتن از اصل قانونی [بودن] جرم و مجازات است» (هداوند و سهرابی، ۱۳۹۰: ۲۹). همچنین، آن‌گونه که برخی از حقوقدانان بیان کرده‌اند، پذیرش امکان تعیین جرم و مجازات به موجب آیین‌نامه، با اصل تفکیک قوا ناسازگار است و به معنای دخالت قوهٔ مجریه در امر قانون‌گذاری است (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۳۲ و ۳۳).

از مواردی که ستاد نقش مؤثری در بزه‌انگاری رفتارهای مرتبط با قاچاق دارد، در خصوص تخلف موضوع تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۱۸ قانون است. به موجب این تبصره: «خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند به صورت تجاری مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب ... می‌شود. دولت مکلف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون دستورالعمل مورد نیاز را تصویب نماید». کالای موضوع تخلف در تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق، عبارت است از «کالاهایی که موضوع قاچاق» قرار می‌گیرند و اشاره به کالاهایی دارد که معمولاً هدف قاچاق (صادراتی) هستند. قانون‌گذار به نحو تمثیل به «فرآورده‌های نفتی» و «دارویی» اشاره می‌کند و در نتیجه امکان شمول کالاهای دیگر بر این عنوان نیز وجود دارد.

یکی از شرایط تحقق تخلف موضوع تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۱۸ آن است که رفتار مرتکب «خارج از ضوابط تعیینی دولت» صورت گیرد. در این خصوص نظر برخی از حقوقدانان آن است که منظور از ضوابط تعیینی دولت، ضوابطی است که هیئت وزیران مقرر می‌کند (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۲۷۰ و ۲۷۱). هیئت وزیران نیز به موجب مادهٔ ۲ دستورالعمل تبصرهٔ ۴ الحاقی مادهٔ ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، این اختیار را به ستاد تفویض کرده است.^۱ در راستای تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۱۸ قانون و مادهٔ ۲ دستورالعمل، ستاد مصوبات متعددی داشته است^۲ که این موضوع سبب گسترش قلمرو

۱. مطابق مادهٔ ۱ دستورالعمل تبصرهٔ ۴ الحاقی مادهٔ ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۰۳ اصلاحی مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۵: «... علاوه بر فرآورده‌های نفتی و دارویی، سایر مصادیق کالاهای موضوع قاچاق مطابق مادهٔ ۲ این دستورالعمل تعیین می‌شود». به موجب مادهٔ ۲ دستورالعمل: «مصادیق کالاهای موضوع قاچاق و سایر ضوابط اختصاصی هر کالا حسب مورد به پیشنهاد دستگاه مربوط و تأیید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین می‌گردد». بر این اساس به غیر از «فرآورده‌های نفتی» و «دارو» که در خود تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۱۸ به آن‌ها اشاره شده است، شناسایی دیگر مصادیق کالاهای موضوع این تبصره و ضوابط آن‌ها منوط به مصوبهٔ ستاد شده است.

۲. در اجرای مادهٔ ۲ دستورالعمل ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تاکنون چندین مصوبه داشته است که می‌توان

رفتارهای ممنوعه در ذیل تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون شده است. هر چند این ممنوعیت در ابتدا واجد وصف تخلف (و نه جرم) است، به سبب تسری بسیاری از احکام و آثار جرم بر تخلف در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تفویض اختیار صورت گرفته به ستاد می تواند مورد انتقاد جدی باشد.

۳. اختیارات ستاد در رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز

با توجه به ویژگی های خاص بزه قاچاق کالا و ارز به منزله بزهی اقتصادی، قانون گذار در پاسخ دهی به آن از تدابیر افتراقی تشدید بی بهره برده است. جلوه های رویکرد افتراقی تشدید بی در عرصه حقوق ماهوی و شکلی نمایان شده اند. پیش بینی تقدم اصل مجرمیت و محدودیت در پذیرش ادله، صلاحیت رسیدگی مراجع اداری و قضایی تخصصی، سرعت در رسیدگی و مواردی از این قبیل از مظاهر سیاست کیفری افتراقی قانون گذار است که سبب شده است دادرسی بزه قاچاق کالا و ارز از مدل دادرسی منصفانه^۱ مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری فاصله بگیرد و به مدل دادرسی کنترل جرم^۲ نزدیک شود. از جمله جلوه های افتراقی دادرسی در بزه قاچاق کالا و ارز رویکرد قانون گذار به اعطای نقش فعال به ستاد برای پیگیری رسیدگی به پرونده های قاچاق است که مصادیق آن در ادامه بررسی می شود.

۳-۱. درخواست تعقیب و رسیدگی

به موجب ماده ۶۱ قانون مبارزه با قاچاق، ستاد می تواند در خصوص پرونده های مربوط به جرایم موضوع این قانون و یا جرایم مرتبط، حسب مورد از طریق دادستان، تعقیب و رسیدگی به پرونده را از بدو تشکیل تا مرحله اجرای حکم، از مراجع رسیدگی کننده تقاضا کند. قلمرو شمول ماده ۶۱ دو دسته از پرونده ها را در بر می گیرد. دسته نخست، «پرونده های مربوط

به «دستورالعمل خرید، فروش، حمل و نگهداری دام زنده» مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۱۳، «ضوابط اختصاصی خرید، فروش، حمل و نگهداری محصولات دخانی و کالاهای تبلیغی دخانی» مصوب ۱۳۹۸/۰۱/۱۹، «ضوابط اختصاصی خرید، فروش، حمل و نگهداری نهاده ها و کالاهای اساسی، موضوع ماده ۲ دستورالعمل تبصره ۴ الحاقی ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۱۰، «ضوابط اختصاصی اقسام دارویی و تجهیزات و ملزومات پزشکی» مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ و «ضوابط اختصاصی گروه کالایی لوازم خانگی، برقی و الکترونیک» مصوب ۱۳۹۹/۰۴/۲۱، ضوابط اختصاصی لازم الرعایه برای فروش، خرید، حمل و نگهداری به شکل تجاری فلزات گران بها و گوهرسنگ ها، ضوابط اختصاصی خرید، فروش، حمل و نگهداری گروه کالایی پوشاک، اجزای پوشاک، کیف، کفش و منسوجات مصوب ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ و ضوابط اختصاصی خرید، فروش، حمل و نگهداری آرد مصوب ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ اشاره کرد.

1. Due Process Model

2. Crime Control Model

به جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق^۱ است. این جرایم اعم از قاچاق‌اند و شامل عناوین مجرمانه دیگری غیر از قاچاق که در قانون مبارزه با قاچاق جرم‌انگاری شده‌اند (مانند جرم تغییر وسیله نقلیه برای قاچاق موضوع تبصره ۷ ماده ۲۰ قانون) نیز می‌شوند. دسته دوم پرونده‌های «جرایم مرتبط» است. قانون‌گذار مشخص نکرده است که منظور از جرایم مرتبط چیست، آیا منظور جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز است یا جرایم مرتبط با تمامی جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؟ با توجه به اینکه عبارت «جرایم مرتبط» در ادامه عبارت «پرونده‌های مربوط به جرایم موضوع این قانون» آمده است، ظاهراً نظر قانون‌گذار جرایم مرتبط با جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق بوده است. مطابق این تفسیر قلمرو مداخله ستاد شامل جرایم مرتبط با جرایم مذکور در قانون مبارزه با قاچاق نیز می‌شود.

در اینجا باید گفت منظور از جرایم مرتبط یادشده در ماده ۶۱ غیر از جرایم ذیل عنوان فصل ششم قانون با عنوان «جرایم مرتبط» است؛ چراکه جرایم مذکور در مواد ۳۳ تا ۳۵ قانون هرچند مرتبط با قاچاق‌اند و علت نام‌گذاری فصل نیز به این دلیل است، این جرایم جزو شق نخست ماده ۶۱ (جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق) هستند. همچنین مقصود از جرایم مرتبط در ماده ۶۱ رفتارهای جرم‌انگاری شده خارج از قانون مبارزه با قاچاق است.

برای تبیین قلمرو جرایم مرتبط می‌توان از مفاد ماده ۵۰ مکرر ۲ قانون نیز بهره گرفت. به موجب این ماده در صورتی که در راستای ارتکاب جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق، جرایم رشاء، ارتشاء، جعل، استفاده از سند مجعول، اِعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی و یا ترمد مسلحانه نیز ارتکاب یابد، این جرایم مرتبط محسوب می‌شوند. از این رو، قدر متیقن آن است که باید پرونده‌های شش عنوان اتهامی یادشده در ماده ۵۰ مکرر ۲ را از مصادیق «جرایم مرتبط» مذکور در ماده ۶۱ دانست، مشروط بر آنکه ارتکاب این عناوین در راستای جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق باشد. با این حال، به نظر می‌رسد که علاوه بر آن‌ها، بتوان هر جرمی را که در راستای جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق ارتکاب می‌یابد، مشمول «جرایم مرتبط» تلقی کرد و آن را منحصر در عناوین شش‌گانه مذکور در ماده ۵۰ مکرر ۲ ندانست.

در ماده ۶۱ به پرونده‌های مربوط به جرایم اشاره شده است و این در حالی است که به موجب ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق، بزه قاچاق حسب مورد به جرم یا تخلف تفکیک می‌شود و در قانون مبارزه با قاچاق، رفتارهای دیگری (مانند تخلف موضوع تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون) با عنوانی غیر از قاچاق تخلف‌انگاری شده‌اند. افزون بر این، برخی از تخلفات (مانند تخلفات ارزی مذکور

۱. با توجه به فقدان تعریف قانونی، حقوق‌دانان در خصوص مفهوم جرم مرتبط اختلاف نظر دارند (ر.ک: قیاسی و یآوری، ۱۳۹۴).

در قانون تعزیرات حکومتی) نیز مرتبط با قاچاق کالا و ارز هستند و پرسشی که مطرح می شود آن است که آیا اختیار ستاد ناظر به این موارد نیز می شود؟ در این زمینه از یک سو می توان استدلال کرد که قانون گذار در مقام بیان بوده است و اگر در صدد تفویض اختیاری برای ستاد در این راستا می بود، می بایست به تخلفات نیز اشاره می کرد. با این حال، دلایل متعددی در تأیید صلاحیت ستاد نسبت به تخلفات نیز وجود دارد. نخست آنکه، با توجه به استقلال قوا (اصل ۵۷ قانون اساسی) و نیز استقلال مؤکد مراجع قضایی (اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، در صورت تصریح نکردن قانون گذار در ماده ۶۱، ستاد حق مداخله در پرونده های مطروحه نزد مراجع قضایی را ندارد. این در حالی است که تخلفات موضوع بحث در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی (زیرمجموعه وزارت دادگستری) است و در نتیجه ستاد منعی در خصوص پرونده های مطروحه نزد شعب تعزیرات حکومتی نداشته است. دوم آنکه، در فرضی که ستاد می تواند در پرونده های مطروحه در مراجع رسیدگی کننده قضایی مداخله کند، به قیاس اولویت می تواند در پرونده های مطروحه در مراجع رسیدگی کننده اداری نیز مداخله کند. سوم آنکه، با توجه به اینکه برخی از بزه ها (مانند بزه عدم رفع تعهد ارزی واردکنندگان موضوع ماده ۱۰ قانون تعزیرات حکومتی و تبصره ۷ ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق) حسب مورد در صلاحیت مراجع رسیدگی کننده قضایی و اداری است، توجیه پذیر نیست که ستاد در خصوص پرونده های مطروحه نزد مراجع قضایی صلاحیت مداخله داشته و در خصوص موارد در صلاحیت تعزیرات حکومتی فاقد چنین صلاحیتی باشد.^۱

از جلوه های افتراقی در دادرسی پرونده های قاچاق (و بزه های مرتبط آن)، تأکید بر تسریع در رسیدگی است (صفاری و اجتهادی، ۱۳۹۶: ۲۰). با توجه به اینکه اختیار ستاد به تقاضای تعقیب منحصر نیست و این اختیار برای آن پیش بینی شده است که پرونده را از ابتدا تا انتهای فرایند دادرسی پیگیری کند، یکی از اهداف این پیگیری را باید در رعایت اصل سرعت در رسیدگی و صدور آرا و اجرای احکام دانست. حدود اختیارات ستاد به استناد ماده ۶۱ منحصر به مرحله

۱. علاوه بر استدلال های یاد شده گفتنی است که بررسی روند تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز حکایت از آن دارد که تفکیک جرم و تخلف، در متن اولیه لایحه ارسالی مربوط به این قانون به کار نرفته بود، حتی در متن مصوب مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی نیز چنین تفکیکی وجود نداشت. مجلس در جریان بررسی ایرادات شورای نگهبان به پیشنهاد مرکز پژوهش های مجلس، با تغییر عبارت ماده ۴۴ فعلی (بدون اینکه شورای نگهبان از این حیث اشکالی به آن وارد کرده باشد)، جرم و تخلف را تفکیک و پرونده های در صلاحیت تعزیرات حکومتی را تخلف محسوب کرد. هم زمان نیز واژه جرم را که در موارد مختلف این قانون موجود بود، با هدف تسری احکام جرایم به تخلفات در صلاحیت تعزیرات حکومتی، حذف کرد (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۸؛ اجتهادی، ۱۴۰۳: ۴۱). با این حال، این اصلاح با دقت انجام نشد و در نتیجه برخی از عبارات ناظر به جرم مانند ماده ۷۲ و ماده ۶۱ که موضوع بحث حاضرند، اصلاح نشدند.

تعقیب نیست و تا انتهای فرایند دادرسی کیفری را که ناظر به اجرای احکام محکومیت است، شامل می‌شود. بر این اساس حسب مراحل دادرسی، ستاد می‌تواند درخواست تعقیب، انجام تحقیقات مشخص در خصوص ابعاد خاصی از اتهام و یا اشخاص خاص، تسریع در اجرای حکم و مانند این‌ها را از مرجع قضایی درخواست کند، اما در خصوص رعایت استقلال و شئونات قضایی این درخواست‌ها می‌بایست از طریق دادستان به عمل آید. بنابراین با وجود اینکه به موجب ماده ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مداخله مستخدمان و مأموران دولتی در امور در صلاحیت مراجع قضایی (با شرایطی) جرم محسوب می‌شود، مداخله ستاد در چهارچوب ماده ۶۱ از شمول این جرم خارج است.^۱

در خصوص اینکه آیا با تقاضای تعقیب از سوی ستاد برای دادستان به‌عنوان مرجع تعقیب برای تعقیب اتهام و متهم الزام قانونی ایجاد می‌شود، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان در این زمینه بیان داشته‌اند که تقاضای ستاد به‌منزله بالاترین مرجع مبارزه با قاچاق، چنانچه برخلاف قانون نباشد، الزام‌آور است و دادستان مکلف است که برابر قوانین و مقررات به آن رسیدگی کند (ساک، ۱۳۹۶: ۱۵۱). اما در مقابل نظر برخی از حقوقدانان بر این است که صرف تقاضای ستاد برای دادستان در شروع به تعقیب کیفری متهم الزام‌آور نیست و دادستان به تبعیت از درخواست ستاد ملزم نخواهد بود. همچنین دادستان در صورت کفایت‌نداشتن دلایل اثباتی برای شروع تعقیب کیفری نمی‌بایست متهم را تعقیب کند (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۵۸). برای پاسخ دقیق‌تر به پرسش مطرح‌شده باید به این نکته توجه داشت که به لحاظ جایگاه حقوقی ستاد، این ستاد ضابط دادگستری و یا دستگاه کاشف (موضوع بند «ص» ماده ۱ و ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق) محسوب نمی‌شود. با این حال، موارد اعلامی از سوی ستاد برای تعقیب می‌تواند به استناد بند «ب» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری از مصادیق «اعلام و اخبار مقامات رسمی» و در نتیجه از جهات قانونی شروع تعقیب محسوب شود. از این منظر، بخش مربوط به درخواست تعقیب ماده ۶۱ را نیز می‌توان مصداقی از «اعلام و اخبار مقامات رسمی» دانست. هرچند در نظام حقوقی ایران به‌عنوان قاعده اولیه اصل الزامی و یا قانونی بودن تعقیب (در مقابل اصل اقتضای تعقیب) حاکم است، بدیهی است که مطابق اصل قانونی بودن تعقیب نیز صرف اعلام و اخبار مأموران رسمی بدون وجود ادله کافی نمی‌تواند توجیه‌گر شروع به تعقیب متهم باشد و دادستان

۱. مطابق بند ۴۵ ماده ۲ مصوبه شورای عالی اداری با عنوان «تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آن‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با مسئولان دستگاه‌های مصوب شورای عالی اداری» از جمله وظایف و اختیارات استانداران در قلمرو مأموریت، «تسهیل‌گری در تعیین پرونده‌های قاچاق کالا و ارز از بدو تشکیل تا مرحله اجرای احکام از مراجع رسیدگی به موجب ماده ۶۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» است.

به عنوان مرجع تعقیب کننده در فرض وجود ادله کافی تعقیب را آغاز می کند. در خصوص دیگر درخواست های ستاد از مرجع رسیدگی کننده نیز روشن است که مرجع رسیدگی کننده صرفاً در چهارچوب مقررات به درخواست های ستاد ترتیب اثر خواهد داد.

۳-۲. اعتراض به رأی صادره

در راستای دادرسی افتراقی، قانون گذار در پرونده های قاچاق دامنه اشخاصی را که حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی از رأی صادره را دارند، گسترش داده است. از جلوه های این دادرسی افتراقی ضرورت ابلاغ آرا به ستاد و امکان اعتراض از سوی این ستاد است. به موجب ماده ۵۰ مکرر ۱ قانون، قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب و احکام صادره از دادسراها و شعب مراجع رسیدگی کننده (اعم از دادگاه های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی)، علاوه بر متهم، به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه کاشف، ضابط، دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت و دادستان، ابلاغ می شود. اشاره به واژه «ابلاغ» دلالت بر این دارد که آرای یادشده باید مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری به تمامی نهادهای مذکور ابلاغ شود تا در صورت ضرورت آنها بتوانند از حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی خود وفق مقررات آیین دادرسی کیفری استفاده کنند (رستمی غازانی، ۱۴۰۳: ۱۶۷). برخلاف دستگاه های کاشف، ضابطان و دستگاه های مأمور وصول درآمدهای دولت که ابلاغ به آنها حسب مورد بر حسب ارتباط و مداخله آنها در پرونده است، ابلاغ آرا به ستاد با توجه به اختیاری که قانون در ماده ۶۱ برای ستاد پیش بینی کرده است، در هر صورت الزامی است (خلیلی پاجی و احمدی، ۱۴۰۲: ۱۲۳).

در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و آیین نامه اجرایی آن، برخی از دستگاه ها با عنوان «سازمان شاکی» شناسایی شده بودند. بر اساس بند «ت» ماده ۱ آیین نامه اجرایی این قانون، سازمان شاکی به سازمانی اطلاق می شد که طبق قوانین مربوط، مأمور اعلام شکایت و تعیین جزای نقدی، علیه متخلفان یا متهمان به قاچاق کالا و ارز بود.^۱ از این رو، از مهم ترین وظایف این سازمان ها اعلام شکایت برای شروع رسیدگی به بزه قاچاق بود. در مقابل قانون مبارزه با قاچاق به جای به کارگیری عنوان «سازمان های شاکی»، از اصطلاح «دستگاه های کاشف» استفاده کرده است. وظیفه اصلی این دستگاه ها در حوزه مبارزه با قاچاق، کشف و اعلام وقوع بزه به مراجع رسیدگی کننده است و از این حیث، نقش آنها با جایگاه شاکی تفاوت ماهوی دارد. این تمایز از آن نظر اهمیت دارد که بزه قاچاق (اصولاً) فاقد بزه دیده مستقیم است که بتوان برای آن شاکی تصور کرد؛ زیرا زیان ناشی از این بزه (عموماً) ناظر به بودجه عمومی

دولت است (رستمی غازانی، ۱۴۰۱: ۱۰۷). با توجه به اینکه قانون مبارزه با قاچاق دلالی بر شاکی بودن دستگاه‌های کاشف، دستگاه‌های مأمور وصول درآمدهای دولت، ضابطان و ستاد ندارد، این دستگاه‌ها (و از جمله ستاد) از حقوق مقرر در قوانین برای شاکی خصوصی بهره‌مند نیستند. از این رو، اعطای حق اعتراض به آرای صادره از مراجع رسیدگی‌کننده به این دستگاه‌ها نه به اعتبار شاکی بودن آنها، بلکه به سبب نقش و مسئولیت قانونی ایشان در فرایند مبارزه با قاچاق کالا و ارز است و نباید به منزله ارتقای جایگاه آنان به شاکی تلقی شود. در واقع، پیش‌بینی امکان اعتراض برای ستاد و دیگر دستگاه‌های یادشده، استثنایی بر قوانین آیین دادرسی کیفری در خصوص امکان اعتراض به آرای مراجع رسیدگی‌کننده از سوی اشخاصی غیر از اصحاب دعوای کیفری (دادستان، متهم و شاکی) است.

پس از ابلاغ رأی به ستاد، این ستاد ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد در خصوص آرای مبنی بر منع تعقیب، موقوفی تعقیب و برائت تمامی اتهامات و یا متهمان و یا بخشی از متهمان و یا بخشی از کالاهای موضوع اتهام، یا بخشی از عناوین اتهامی حسب مورد حق اعتراض و یا تجدیدنظرخواهی دارد. علاوه بر این، ستاد در مورد آرای محکومیت نیز در مواردی که مجازات مقرر در رأی نخستین برخلاف قانون، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته است یا بدون در نظر گرفتن بخشی از کالا یا ارز، صادر شده باشد یا با اتخاذ عنوان اتهامی نادرست، کمتر از میزان مقرر قانونی تعیین شده باشد، حق تجدیدنظرخواهی دارد.

با توجه به ضرورت تمرکز مبارزه با پرونده‌های کلان، به موجب تبصره ۱ ماده یادشده، آرای برائت صادره در خصوص پرونده‌های با ارزش کمتر از ۲ میلیارد ریال به استثنای پرونده‌های سازمان یافته، حرفه‌ای، کالای ممنوع، مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی از سوی ستاد و دیگر مراجع مذکور در این ماده قابل تجدیدنظرخواهی یا اعتراض نیست.^۱

نتیجه‌گیری

با لحاظ متغیرهای کلان سیاسی و اقتصادی زمینه ارتکاب بزه قاچاق در ایران چشمگیر است. از یک سو عوامل متعددی در شکل‌گیری و گسترش این بزه مؤثرند و از سوی دیگر، ارتکاب آن آثار زیان‌باری در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بر جای می‌گذارد. از این رو، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و واکنشی در قبال قاچاق کالا و ارز، مستلزم مداخله هماهنگ دستگاه‌های گوناگون است. در همین راستا، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۱. به موجب بند ۱۵ ماده ۲۴ آیین‌نامه مربوط به نصاب رسمیت و اتخاذ تصمیم در جلسات ستاد ... مسئولیت اعتراض و تجدیدنظرخواهی از آرای متضمن منع تعقیب، موقوفی تعقیب یا برائت، به دبیرخانه ستاد محول شده است.

به‌عنوان نهادی متشکل از نمایندگان دستگاه‌های مختلف مربوط به قوای سه‌گانه، دستگاه‌های زیرمجموعه رهبری و بخش خصوصی، وظیفه هدایت و هماهنگی اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای را بر عهده دارد. همچنین، با توجه به اینکه قانون‌گذار افزون بر جرم قاچاق، برخی رفتارهای دیگر را نیز جرم‌انگاری کرده و بسیاری از احکام حاکم بر قاچاق را به آن‌ها تسری داده است، قلمرو صلاحیت‌ها و اختیارات ستاد نیز این جرایم را در بر می‌گیرد. با این حال، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی فراوری ستاد، ابهام در جایگاه مصوبات آن در سلسله مراتب مقررات فرودست و آثار مترتب بر این جایگاه است.

از مهم‌ترین جلوه‌های نقش‌آفرینی ستاد در عرصه سیاست جنایی ایران می‌توان به وضع هنجارهای حقوقی در زمینه مبارزه با قاچاق اشاره کرد. این نقش گاه به‌صورت غیرمستقیم و در قالب تهیه یا مشارکت در تدوین پیش‌نویس قوانین و مقررات اعمال می‌شود و گاه، بر اساس تفویض اختیارات صورت‌گرفته از سوی قانون‌گذار، ستاد خود مرجع تصویب این مقررات است. پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و اداری برای نقض برخی از مصوبات ستاد سبب شده است که این نهاد در عمل نقشی فراتر از مرجعی صرفاً اجرایی داشته باشد، که برخی حقوقدانان به این مسئله ایراد گرفته‌اند. از یک سو پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای نقض مصوبات ستاد به این معنا است که قانون‌گذار تعیین بخشی از رفتارهای دارای ضمانت اجرای کیفری را به مصوبات این نهاد وابسته ساخته است؛ مسئله‌ای که صرف‌نظر از نقض اصل قانونی بودن جرایم، با اصل حداقلی بودن حقوق کیفری نیز در تعارض است. از سوی دیگر، واگذاری اختیار تعیین مصادیق و ضوابط کالاهای موضوع تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به ستاد، سبب شده است که قلمرو تکالیف و ممنوعیت‌های مقرر برای شهروندان از طریق مقررات فرودست گسترش یابد. این مسئله به‌ویژه از آن نظر اهمیت دارد که ستاد با تصویب مصوبات متعدد، دامنه مصادیق و ضوابط موضوع تبصره یادشده را به نحو چشمگیری توسعه داده است.

از اختیارات مهم ستاد در حوزه سیاست جنایی مبارزه با قاچاق، مدیریت پاسخ‌های کنشی و واکنشی دستگاه‌های عضو ستاد در قالب سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت به استناد ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق است. هرچند تدابیر اتخاذشده از سوی ستاد در مدیریت مبارزه کنشی و واکنشی با پدیده قاچاق با موفقیت‌های نسبی همراه بوده است، بررسی عملکرد آن نشان می‌دهد که برخی از اهداف تعیین‌شده، از جمله کاهش ۱۰ درصدی قاچاق در جریان اجرای برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، محقق نشده است.

پیش‌بینی امکان مداخله ستاد در قالب درخواست تعقیب و رسیدگی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی نیز در راستای آیین دادرسی افتراقی

تشدید است که قانون‌گذار در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز در نظر گرفته است. با این حال، قلمرو و حدود این اختیارات، به‌ویژه از حیث دامنه مداخله ستاد در فرایند رسیدگی، همچنان با ابهاماتی مواجه است.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: چرایی، چیستی و چگونگی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸، ۱۳۱-۱۵۲.
۲. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). کنشگران سیاست جنایی؛ مطالعه موردی سیاست جنایی فرانسه، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۳۰، ۲۵-۷.
۳. اجتهادی، سیدعبدالمجید. (۱۳۹۶). بزه‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز، مبانی و جلوه‌ها، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
۴. اجتهادی، سیدعبدالمجید. (۱۴۰۳). مصاحبه؛ گروهی از پژوهشگران، سیاست جنایی شفاهی ایران بر اساس مصاحبه با اساتید و پژوهشگران (دادرسی کیفری و ادله اثبات)، چاپ اول، تهران: میزان، ۲۹-۴۹.
۵. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲). دیپاچه در ابروانیان، امیر، نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
۶. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن. (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۷. آقازاده، علی‌رضا. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی دادرسی کیفری قاچاق کالا در حقوق ایران، ترکیه و عراق، چاپ اول، تهران: مجد.
۸. بالوی، مهدی و سعید، سیده‌زهره. (۱۳۹۵). بررسی عدم صلاحیت وضع مقررات توسط رئیس‌جمهور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۶، ۴۱-۶۰.
۹. بی‌نام. (۱۳۸۸). نگاهی به سند ملی راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دوماهنامه اقتصاد پنهان، شماره‌های ۶ و ۷، ۸-۱۲.
۱۰. پورابراهیم، احمد و حقیقت‌جو، مهدی. (۱۴۰۳). سیاست‌گذاری ایران در مبارزه با قاچاق کالا و ارز در آینه تحلیل و نقد، فصلنامه آموزه‌های فقه و حقوق جزا، شماره ۱، ۱۲۲-۲۲۱.
۱۱. خدرویی، فرهاد. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و خلأهای قانونی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، فصلنامه اقتصاد پنهان، شماره ۲۹، ۷-۲۷.
۱۲. خلیلی پاجی، عارف و احمدی، امین. (۱۴۰۲). دادرسی افتراقی در جرایم قاچاق کالا و ارز، فصلنامه مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۳، ۱۱۹-۱۴۰.
۱۳. رحمانی‌فرد، محسن. (۱۳۹۷). تحلیل سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز در پرتو سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت.
۱۴. رحیمی‌نژاد، اسمعیل. (۱۴۰۲). چالش‌های اساسی حقوق پیشگیری از جرم در ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، ۸۹-۱۱۵.
۱۵. رستمی غازی، امید. (۱۴۰۰). قواعد حاکم بر تعدد بزه قاچاق کالا و ارز، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵۴، ۴۴۵-۴۷۰.
۱۶. رستمی غازی، امید. (۱۴۰۱). جایگاه دستگاه‌های کشف در سیاست کیفری مبارزه با قاچاق کالا و ارز،

- فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، شماره ۲۶، ۱۰۵-۱۳۰.
۱۷. رستمی غازانی، امید. (۱۴۰۳). آیین دادرسی افتراقی بزه قاچاق کالا و ارز، چاپ دوم، تهران: میزان.
۱۸. رستمی غازانی، امید. (۱۴۰۴). تفکیک «جرم» و «تخلف» در بزه قاچاق کالا و ارز: مبانی، ضوابط و آثار، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۳۱، ۵۳-۶۷.
۱۹. روح‌الامینی، محمود. (۱۳۹۷). ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در: نیازپور، امیرحسین (به کوشش)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چاپ دوم، تهران: میزان، ۵۳۴-۵۲۹.
۲۰. ساکی، محمدرضا. (۱۳۹۶). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ چهارم، تهران: جنگل، ۱۵۱.
۲۱. ساکی، محمدرضا. (۱۳۸۱). نقدی بر لایحه مبارزه با قاچاق کالا، ارز، ریال و اوراق بهادار، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۷.
۲۲. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز. (بی‌تا). سند تحول راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در افق ۱۴۰۴.
۲۳. سیف، اله‌مراد. (۱۳۸۷). قاچاق کالا و ارز، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. شیرینی، عباس. (۱۳۹۷ الف). سیاست‌گذاری جنایی از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳، ۱۰۳-۱۲۱.
۲۵. شیرینی، عباس. (۱۳۹۷ ب). سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱، ۱۶۱-۱۷۵.
۲۶. صالحی، محمدخلیل و رضایی، احمد. (۱۳۹۹). مقایسه «الگوی راهبردی برنامه‌ریزی پیشگیری از جرم» با الگوهای جزئی‌نگر، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۳۸، ۳۹-۷۰.
۲۷. صفاری، علی و همکاران. (۱۳۹۷). بزه قاچاق کالا و ارز در مقررات موضوعه، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی.
۲۸. صفاری، علی و اجتهادی، سیدعبدالمجید. (۱۳۹۶). سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت‌محور، فصلنامه پژوهش دانش انتظامی، شماره ۷۵، ۱-۲۵.
۲۹. غلامی، حسین و نمرووری، رحیم. (۱۳۹۸). تحلیل جرم‌شناختی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۸، ۱۹-۴۰.
۳۰. فخر، حسین و رستمی غازانی، امید. (۱۳۹۰). مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در پرتو بند ۱۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، دوفصلنامه علمی - تخصصی علامه، شماره ۳۲.
۳۱. فرجیها، محمد. (۱۳۸۸). رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارها، در: فرجیها، محمد و فیروز محمودی جانکی (زیرنظر)، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم: رویکرد چندنهادی به پیشگیری از وقوع جرم، چاپ اول، تهران: معاونت آموزش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳-۲۰.
۳۲. قادری، ادریس و همکاران. (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی قاچاق کالا در ایران: آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و سازوکارهای حکمرانی، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱، ۱۹۷-۲۲۰.
۳۳. قیاسی، جلال‌الدین و یآوری، احسان. (۱۳۹۴). حکم جرایم مرتبط در جرایم تعزیری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۵۵-۱۷۹.
۳۴. مژده‌پور، ابوالفضل و میلانی، علی‌رضا. (۱۴۰۱). سیاست جنایی حاکم بر نهاد متولی پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حقوق ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۹، ۱۹۱-۲۱۴.
۳۵. موسوی، سیداحمد و همکاران. (۱۴۰۰). الگوی پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز مبتنی بر اندیشه فرماندهی معظم کل قوا، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، شماره ۱، ۹-۲۸.
۳۶. نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۸). جایگاه قانون و وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، ماهنامه اقتصاد پنهان، شماره‌های ۶ و ۷، ۵۸-۵۰.
۳۷. هداوند، مهدی و سهرابی، مجید. (۱۳۹۰). نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات صنفی، چاپ اول، تهران: جنگل.